

مقالات (۷۸)

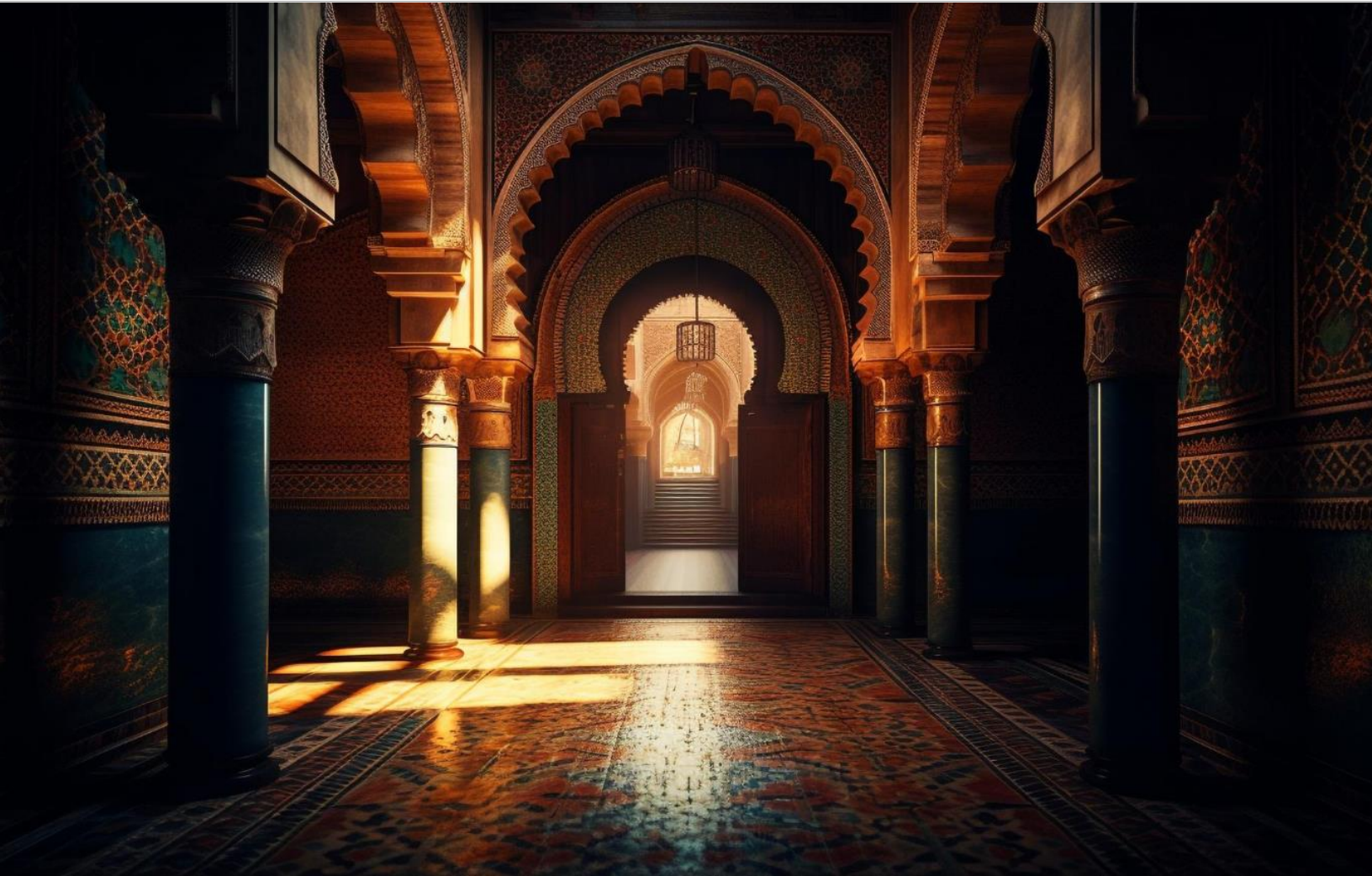


مرکز مطالعات متین

MatinStudies.com

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟

هدی عبدالرحمن النمر | ترجمه: واحد ترجمه متین



چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟

هیچ مسلمانی نیست که در طول زندگی‌اش شاهد کشتارها، قتل‌عام‌ها و جلوه‌های گوناگون سلطه و ستمی نبوده باشد که بر گروه‌های مختلف مسلمانان در نقاط مختلف جهان وارد شده است؛ از فلسطین آغاز می‌شود که مصیبت آن به قدمت نسل‌هاست، تا بوسنی، چین، برمه، و در نهایت هند، چین و سودان.

و با اینکه استضعاف برخی گروه‌های مسلمان در نقاط گوناگون جهان، همواره در تاریخ امت اسلامی وجود داشته و پدیده‌ای دائمی بوده، اما مشکل اصلی در مصیبت بزرگتری نهفته است که تمام امت را دربر گرفته: وضعیت

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟ |

مغلوب بودن امت اسلامی در برابر دیگر ملت‌ها. تمام آن جلوه‌های ظلم و ستم بر مسلمانان در گوشه و کنار زمین، در حقیقت شاخه‌ای از این ریشه عمیق‌اند: مصیبت مغلوب بودن؛ مصیبتی که نتیجه قرن‌ها عقب‌نشینی، ترک یاری اسلام از سوی مسلمانان، شرمندگی از جست‌وجوی عزت کامل در اسلام، و حتی باور به ناتوانی از تحقق چنین عزتی است.

ما نقل قول معروفی از سیدنا عمر بن خطاب - رضی الله عنه - را بر زبان داریم که می‌فرماید: «ما قومی هستیم که خداوند ما را با اسلام عزیز گردانید». اما کمتر به معنای واقعی و کاربردی «طلب عزت» یا همان افتخار با اسلام می‌اندیشیم.

متن کامل آن روایت چنین است:

عمر بن خطاب همراه با ابو عبیده بن جراح به سمت شام حرکت کرد، در راه به گذرگاهی (چشمه کوچکی) رسیدند، عمر از شترش پیاده شد، و کفش‌هایش را از پا در آورد و آن‌ها را روی دوشش گذاشت، سپس مهار شترش را به دست

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟

گرفتن و از میان آب گذشت. ابو عبیده گفت: «ای امیرالمؤمنین! آیا واقعاً این کار را می‌کنی؟ کفش‌هایت را در می‌آوری و روی دوشت می‌گذاری، مهار شترت را می‌گیری و با آن از آب عبور می‌کنی؟ دوست ندارم که مردم این شهر تو را در این وضعیت ببینند!».

عمر پاسخ داد: «اگر کسی جز تو این حرف را می‌زد او را عبرتی برای دیگران می‌کردم! ما قومی بودیم که خوار و ذلیل بودیم و خداوند ما را با اسلام عزیز گردانید. اگر عزت را در غیر آنچه خدا به وسیله‌اش ما را عزیز کرده بجوییم، ما را دوباره خوار و ذلیل خواهد کرد!».

همین است! ما زبان‌مان را به تکرار شعار «طلب عزت از اسلام» عادت داده‌ایم، اما در عمل در عرصه‌های مختلف زندگی، تربیت و معیشت احساس ناراحتی

۱ - حاکم نیشابوری، المُستَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ، کتاب الإیمان، قصة خروج عمر إلى الشام وقوله: «إنا قوم أعزنا الله بالإسلام فلن نبتغي العزة بغيره».

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟

می‌کنیم. از همین رو به جای آن، به دنبال عزت در هر چیز دیگری می‌رویم؛ و روش است که هر چیز دیگر، پایین‌تر از اسلام است.

نخستین راه یاری دادن دین خدا که بر هر مسلمانی واجب است طلب عزت از راه عمل به احکام، آداب و دستورهای دین اسلام در تمام جوانب زندگی است؛ نه اینکه تنها به زبان بگوییم به دین خود افتخار می‌کنیم و یا یک احساس عاطفی در این باره داشته باشیم اما در مقابل امور زندگی خود را بر اساس احکام و ارزش‌های ادیان و فرهنگ‌های بیگانه بنا نهیم!

هر بار که مسلمانی از دین خود احساس شرمندگی می‌کند و یا از حقی از حقوق خداوند متعال عقب‌نشینی می‌کند در واقع آن جایگاه را به باطلی واگذار کرده است. و به همین شکل، عرصه باطل گسترده‌تر و عرصه حق تنگ‌تر می‌شود، تا جایی که زمام حاکمیت زمینی که خداوند انسان را در آن به عنوان جانشین خود قرار داده به دست کافرانی می‌افتد که آن را طبق امیال و خواسته‌های خویش اداره می‌کنند.

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟

عقب‌نشینی از حق در اینجا به معنای هرگونه سستی، تنبلی و سهل‌انگاری در پذیرش مسئولیت زندگی بر پایه بندگی خداوند است، چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی و گروهی. یعنی زمانی که در برابر جان‌هایی که خداوند به ما بخشیده و نیز فرزندانمان و هسته‌های نسل آینده کوتاهی می‌کنیم آنرا در معرض چنگال‌های گوناگون باطل و فرهنگ‌های هوس‌محور رها ساخته‌ایم تا آن‌ها را به بند بکشند.

این از نادانی شرم‌آور نسبت به اموری آغاز می‌شود که هر مسلمانی به‌طور بدیهی باید آنرا بداند؛ چه در حوزه علوم دینی و چه در حوزه علوم دنیوی، آن‌هم طبق اصول شرعی. در حالی که بسیاری از مسلمانان تنها آگاهی‌های پراکنده و سطحی از مفاهیم و عناوینی دارند که اینجا و آنجا شنیده‌اند، و همین آگاهی‌های ناقص نیز موجب احساس تنگی و فشار درونی می‌شود؛ چون برایشان اینگونه جلوه می‌کند که این مفاهیم با پیمان‌های جهانی، حقوق بشر و همه تصورات به اصطلاح «متمدنانه» که ریشه در اصولی بی‌خدا

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟

دارند، در تعارض اند! از جمله این موارد، می‌توان به احکام مربوط به برده‌داری، قوامت مرد بر زن، ولایت، قصاص و حفاظت از جان اشاره کرد.

این وضعیت به ترک واجبات الهی و انجام حرمت‌های او می‌انجامد، و در ادامه به جریانی ختم می‌شود که در آن، انسان‌ها وقت خود را با سرگردم شدن به غذا و محتوای تصویری بی‌پایان می‌گذارند در حالی که ذهن، فکر و سلامت خود را تباه می‌کنند.^۲

و نقطه پایانی این ماجرا بدعتی به نام «مدارس بین‌المللی» است که در آن‌ها مفاهیم اسلامی و کفر در قالبی از «همزیستی جهانی» با هم ترکیب می‌شوند؛ درست مانند دادگاه‌های مختلط و مدارس مبلغان مسیحی که

۲ - برای توضیح مفصل و ردّ و اصلاح این تصورات، به کتاب «چهار پرسش برای تنظیم قطب‌نمای زندگی» نوشته‌ی نویسنده مراجعه شود.

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟

خروجی آن چهره‌های سرشناس نهضت و جریان روشن‌فکری جهان اسلام بود.^۳

اما حتی در سطح ساده‌تر و زندگی روزمره نیز، می‌توان نشانه‌هایی آشکار از عقده و شرمندگی مسلمانان نسبت به اسلام خود دید؛ شرمندگی‌ای که گاهی از خود مسلمانان شدیدتر است تا غیرمسلمانان، و در برابر آن، از واژه‌ها و منطق فکری غربی‌ها با شور و شوق استقبال می‌شود؛ صرفاً چون برجسب «متمدنانه» خورده‌اند.

مثلاً:

• مسخره کردن لباس گشاد و پوشیده اگر کسی به نیت تدین آن را بپوشد، به این بهانه که سلیقه ندارد یا شبیه پیرزن‌ها و پیرمردهاست.

۳ - نگا: محمد و فیک زین العابدین: «اجرای شریعت؛ بین واقعیت و آرمان»، محمد محمود شاکر: «نامه‌ای در راه رسیدن به فرهنگ خودی» عبدالوهاب المسیری: «اندیشه جنبش روشن‌گری و تناقضات آن»

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟

اما وقتی همین مدل توسط غربی‌ها به‌عنوان سبک اوورسایز (Oversize) ارائه می‌شود، تبدیل به یک ترند و مد محبوب می‌گردد!

• ریش گذاشتن را زشت و ناهنجار می‌دانند و آن را نشانه عقب‌ماندگی و افراطی‌گری می‌دانند؛ اما همین افراد، وقتی جنبش «Movember» (از استرالیا) با هدف آگاهی‌رسانی دربارهٔ بیماری‌های مردان ایجاد شد و در آن مردان سبیل گذاشتند، به وجد آمدند! سپس کم‌کم گذاشتن ریش هم مُد شد، و همان کسانی که ریش اسلامی را تمسخر می‌کردند، آن را با اشتیاق دنبال کردند.

• کسی که بخواهد از دورهمی دوستانه برای نماز به‌موقع خارج شود، متهم به خشک‌مغزی و افراطی‌گری است؛ اما اگر همان فرد اجازه بگیرد تا رأس ساعت برای تمرین باشگاهی برود، همه او را فردی بانگیزه و متعهد می‌دانند!

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟ |

• اصطلاحاتی مانند تدبّر و تفکّر را که ریشه در قرآن دارند، کهنه، نامفهوم و نامناسب با زندگی پرشتاب امروز می‌دانند. در حالی که اگر همین مفاهیم با واژه‌هایی مانند مدیتیشن، یوگا یا مراقبه (الهام گرفته از آیین بودا و کنفوسیوس) بیان شوند، آن را گشودن رازهای درون و شناخت هستی می‌نامند!

• در تربیت کودکان، به جای استفاده از مفاهیم قرآنی و شرعی مثل: تمسخر، طعنه، لقب دادن، ناسزا، افترا زدن، که در قرآن آمده مانند آیه {وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ} [حجرات: ۱۱]، و آداب و رهنمون‌های با ارزشی که در سنت نبوی و روش صحابه وجود دارد، می‌آیند و از اصطلاحات غربی استفاده می‌کنند: نه به زورگویی (bullying)، دفاع از خود (self-defense)، عبور از آسیب‌های روانی (overcome trauma)، و گوشه تنبیه برای بچه‌های شیطان (naughty corner) و جالب اینجاست که بیشتر کودکان مسلمان

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟

حتی اگر این آیه‌ها را حفظ کرده باشند، معنی لمز (طعنه زدن) و تنابز (لقب زشت دادن به هم) را نمی‌فهمند!

از سوی دیگر، اهل باطل آن‌چنان به باطل خود افتخار می‌کنند که نه تنها قوانین و اصول را برای خود وضع می‌کنند، بلکه آن‌ها را بر همه بشریت تعمیم می‌دهند؛ گویی فقط آن‌ها انسان‌اند و دیگران در درجهٔ دوم هستند.

آنان کارهایی را به دل‌خواه خود جرم‌انگاری نموده و یا زیبا جلوه می‌دهند؛ هم‌جنس‌گرایی را که روزی عقوبتش اعدام یا سوزاندن بود را امروزه به «حق مقدس» تبدیل کرده‌اند.

در رسانه‌ها، قانون‌گذاری‌ها، و حتی با توسل به زور علیه مسلمانان سخت‌گیری نموده و در عین حال از یکدیگر پشتیبانی می‌کنند، حتی اگر به

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟ |

بهای لگدمال کردن قوانین و معاهدات بین المللی باشد که خود نوشته‌اند، زیرا آن‌ها با بقیه فرق دارند و خود را مقدم بر دیگران می‌دانند.^۴

ما اما هنوز نگران «دیگری» هستیم؛ دغدغه ما در هر حرکتی این است که «دیگری» چه می‌گوید؟! آن‌هم تحت توهم آشتی و همزیستی مسالمت‌آمیزی که هیچ‌کس جز ما به آن دل نبسته، و اصولاً امکان تحقق ندارد؛ چون اساس آن‌گونه نظام‌ها برای جلوگیری از همین آشتی واقعی طراحی شده است، هر چند در ظاهر بسیار شعار می‌دهند.

در حقیقت هیچ نظام حقوقی عادلانه و فراگیری که برای همه انسان‌ها مناسب باشد وجود ندارد، جز همان شریعتی که پروردگار انسان‌ها نازل نموده است.

۴ - نگاه کنید به: عبدالرحمن حبنکه الميدانی، سه بال نیرنگ. و ابراهیم السکران، سلطه فرهنگ غالب.

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟ |

اگر الحاد (خداناباوری) دشمنی آشکار با ربوبیت است، انسان محوری، خدا سازی از انسان است. و سکولاریسم (جدایی دین از زندگی) تلاشی است دیپلماتیک برای برقراری آشتی میان این دو باطل، اما همه این‌ها در نهایت با حق دشمنی دارند، آن‌را تهدیدی برای خود می‌دانند و با وجود ادعای بی‌طرفی و آزادی، در باطن با آن می‌جنگند.

و چه زیبا گفته است علی بن ابی‌طالب رضی الله عنه در خطبه معروفش که:
«چه شگفت است جدیت این قوم (باطل‌گرایان) در باطل‌شان، و سستی شما در حق خودتان! وای بر شما، و چه اندوهی، که به تیری تبدیل شدید که به سوی‌تان نشانه می‌روند، و غنیمتی که تاراج می‌شود! بر شما حمله می‌شود اما شما حمله نمی‌برید، به شما یورش می‌برند اما شما یورش نمی‌برید، خدا را نافرمانی می‌کنند و شما خشنودید!»^۵

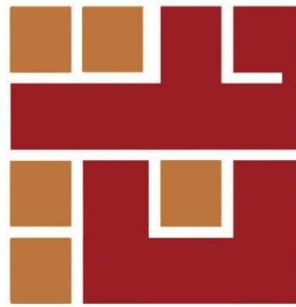
۵ - شریف رضی، نهج البلاغه.

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟

اگر او در زمان خود از سستی اهل حق شگفت زده بود، اگر امروز را می‌دید چه می‌گفت؟!

حقاً، شگفتا! چه اندوهی... و چه طولانی اندوهی!

چرا برخی از احساس افتخار به اسلام شرم دارند؟



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies